

پژوهشنامه ادب حماسی، سال نوزدهم، شماره اول، پیاپی ۳۵، بهار و تابستان ۱۴۰۲، صص ۱۴۲-۱۱۷

بررسی انتقادی برخی از پژوهش‌ها و اظهارنظرها درباره شاهنشاهنامه صبا

رضا زرین‌کمر*

پژوهش‌گر دوره پسادکتری، دانش‌گاه مازندران، ایران

رضا ستاری**

دانش‌یار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانش‌گاه مازندران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۳۱

چکیده

شاهنشاهنامه، منظومه‌ای حماسی از فتحعلی‌خان صبا است که تاریخ ایران را در دوره سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار، دست‌مایه آفرینش اثری ادبی قرار داده است. البته دامنه تاریخی اثر از سقوط اصفهان تا اواخر دوره اول جنگ‌های ایران و روس را در بر می‌گیرد. این منظومه طولانی، به رغم اهمیت، تا کنون چنان که باید مورد توجه و بررسی قرار نگرفته است. نقدهای نوشته شده بر شاهنشاهنامه، کم‌تر به کل اثر نظر داشتند و به نظر می‌رسد، بیش‌تر نویسندگان آن به طور کامل متن این منظومه را نخوانده‌اند. این نقدها بیش‌تر براساس متن گزیده منظومه، نوشته و به این علت دچار خطاهای فاحش محتوایی و تاریخی شده‌اند. این مقاله، به مطالعه حدود بیست پژوهش انجام شده در صد سال اخیر، درباره شاهنشاهنامه پرداخته و کوشیده است تا با بررسی اشکالات و خطاهای آن متون، نقدهای شاهنشاهنامه را نقد کند. دستاورد پژوهش، بیان‌گر آن است که عمده نقدها، بدون توجه به کل اثر و نکات تاریخی مرتبط با آن، اشتباهاتی مرتکب شده و این اشتباهات از طریق نقدهای هر عصر، به نقدهای دوران سپسین راه یافته‌اند.

کلمات کلیدی: شاهنشاهنامه، فتحعلی‌خان صبا، نقد شاهنشاهنامه، مکتب بازگشت.

* rezaza1986@yahoo.com

** rezasatari@yahoo.com

۱- مقدمه

فتحعلی خان صبا کاشانی، در ابتدا، مداح خاندان زند بود، اما با پیوستن به ولی عهدش سعدوست قاجار - فتحعلی شاه - روزگاری نو برای خود و ادب پارسی رقم زد. در دوران پادشاهی فتحعلی شاه، شاعر کاشانی، ملک الشعرا دربار شد و افزون بر سرودن شعرهای فراوان، توانست مجمعی از شاعران، نویسندگان و هنرمندان روزگار را گرد آورد. این اقدام منجر به شکل‌گیری انجمن خاقان و تثبیت سبک «بازگشت ادبی» شد. بنابراین، صبا علاوه بر اهمیتش به عنوان شاعری برجسته، جای‌گاه ویژه تأسیسی نیز دارد؛ او به عنوان ملک الشعرا دربار، در گردآوردن هنرمندان به ویژه شاعران، نقشی اساسی داشت. اقدامات صبا زمینه‌ساز تأسیس انجمن خاقان شد. جای‌گاه ویژه تأسیسی صبا، در کنار هنر شاعری او، موجب اعجاب و تحسین بی‌حد معاصران - که بعضی از آن‌ها، پروردگان و برکشیدگان خود صبا بودند - از او شد؛ چنان‌که در بعضی تذکره‌ها، نام او به تنهایی در صدر آمده است و پس از آن، دیگر ادیبان به ترتیب الفبا مرتب شده‌اند (دنبلی، ۱۳۴۳: ۲۹).

در میان آثار صبا، *شاهنشاهنامه* به عنوان مهم‌ترین منظومه، بیش از دیگر آثار، مورد توجه معاصران شاعر قرار گرفته است. بعضی گفته‌اند که صبا به واسطه *شاهنشاهنامه*، «اگر افزون بر شعرای پیشین نباشد، از هیچ‌یک کمتر نیست» (محمودمیرزا، ۱۳۴۶: ۷۷) و بعضی، *شاهنشاهنامه* را از «کتب باستان» از جمله *شاهنامه* فردوسی، برتر شمرده‌اند (فاضل‌گروسی، ۱۳۷۶: ۱۴۶). این روی‌کرد منحصر به پروردگان صبا نبود، بلکه ادیبی شاخص چون رضاقلی خان هدایت - که هرگز صبا را ندید اما در روزگار او زیست - فتحعلی خان را برترین سخن‌گستر هفت قرن گذشته می‌داند (هدایت، ۱۳۸۵: ۵۴۷) و می‌گوید که صبا «الحق دست سخن‌سرایان کهن را از پشت بسته و در مسند قدرت ایشان بر صدر نشسته» است (همان، ۱۳۸۳: ۸۲۶). این روی‌کرد ستایش‌آمیز، در میان همه معاصران صبا با شدت و ضعف، دیده می‌شود؛ در نگاه آنان، ملک الشعرا کاشانی، یا برترین شاعر تاریخ ادب پارسی است و یا در زمره برترین‌ها. البته پس از درگذشت صبا و از میان رفتن جای‌گاه تأسیسی او، داوری و نقد درباب میراث ادبی صبا، رفته‌رفته تغییر کرد. چنان‌که صاحب *حدیقه الشعرا* - که پس از درگذشت صبا متولد شده است - برخلاف پیشینیان، به تمجید بی‌اندازه از صبا نمی‌پردازد و حتی در مقام قیاس *شاهنامه* و *شاهنشاهنامه*، با ذکر حکایتی - که اصالت و درستی آن قابل

تردید جدی است - به اذعان صبا نسبت به برتری بی‌اندازه‌ی شاهنامه بر شاهنشاهنامه، در بستر مرگ اشاره می‌کند (دیوان‌بیگی شیرازی، ۱۳۶۶: ۹۶۹-۹۷۰).

گرچه بیش‌تر ادیبان معاصر صبا، به برتری ملک‌الشعرای عصر خویش بر شاعران پیشین رای داده‌اند، غالباً ملاک و سنجه‌ای برای داوری خود ارائه نمی‌دهند و صرفاً بر اساس نقدی ذوقی و پسند شخصی، سخن می‌گویند. به نظر می‌رسد که اهمیت صبا به عنوان محور انجمن خاقان و ملک‌الشعرای دربار، بر داوری آنان سایه انداخته است؛ بنابراین می‌شود انتظار داشت که با درگذشت صبا و برهم‌خوردن بساط انجمن او، رفته‌رفته داوری‌ها درباره‌ی سخن‌گستر کاشانی عوض شود و نگاه به او در نقدها تغییر کند.

۲- بیان مسأله

نقد آثار ادبی، کاری ارزش‌مند و ستودنی است. آثار تا با محک نقد، سنجیده نشوند، مغفول و پنهان می‌مانند. شرط حیات و اثربخشی متن، نقد آن است. نقد یک اثر، مراحل و سطوحی متعدد دارد، گاه تنها به خودبستگی متن توجه می‌شود و گاه، عوامل بیرونی به کمک تحلیل و نقد متن می‌آیند. در هر صورت، برای نقد، هر اثری لازم است که آن اثر به طور کامل بررسی و تحلیل شود. بدیهی است که بدون خواندن و فهمیدن کامل اثر، امکان نقدی سنجیده و مقبول بر آن نیست. نقد یک اثر برای شناخت بهتر آن ضروری است. چه بسا که خواننده از عینک نقد، جهان متن را فهم کند؛ بنابراین، نقدی سنجیده، برپایه‌ی خوانشی درست، متن را شکوفا و نقدی ناپخته و ناکامل، متن را ابتر و نامفهوم می‌کند.

شاهنشاهنامه صبا را برجسته‌ترین شاهنامه تاریخی در قرون گذشته و یکی از بهترین نمونه‌ها از سنت دیرپای شاهنامه‌سرایی در روزگار پس از فردوسی خوانده‌اند (صفا، ۱۳۸۷: ۳۷۱). این اثر به رغم اهمیت بسیار در عصر صبا، در روزگار ما کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. شاهنشاهنامه، منظومه‌ای طولانی (حدود سی و سه هزاربیت) است و تا کنون به طور کامل، تصحیح نشده است. گرچه نسخه‌های خطی بسیاری از این منظومه وجود دارد، اما به جهت دشواری دسترسی، این نسخ چنان مورد مذاقه پژوهش‌گران قرار نگرفته است. تنها چاپ سنگی شاهنشاهنامه به سهولت در دسترس پژوهش‌گران و علاقه‌مندان است؛ که نسخه‌هایی خلاصه‌شده، محدود و تغییرشکل‌یافته از شاهنشاهنامه است؛ بنابراین در نقدهای کم‌تعداد و کم‌دامنه‌ای که بر این اثر نوشته شده، تمامی متن، کم‌تر مورد توجه قرار گرفته

است. این پژوهش در پی آن است که با بررسی نقدهای وارد شده بر شاهنشاهنامه، به ویژه در دوران پس از صبا و ذکر خطاهای آن‌ها، تأثیر خوانش محدود و بخشی اثر بر نقدهای وارده را مورد مطالعه قرار دهد.

۳- پرسش‌های پژوهش:

۳-۱- کاستی‌های نقدهای نوشته شده بر شاهنشاهنامه چیست؟

۳-۲- علت اصلی کاستی‌ها در نقد شاهنشاهنامه چیست؟

۴- پیشینه پژوهش:

از آن جا که موضوع این پژوهش، بررسی نقدهای نوشته شده بر شاهنشاهنامه است، این نقدها در ادامه معرفی شده و به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرند. تاکنون پژوهشی به بررسی نقدهای وارد شده بر شاهنشاهنامه نپرداخته است.

۵- بحث و بررسی:

شاهنشاهنامه در روزگار خود بسیار نام‌بردار و شناخته شده بود و شهرتی شایان توجه داشت. به جهت اهمیت شاهنشاهنامه در گفتمان سیاسی و فرهنگی قاجار، از همان سال نخست سرایش، نسخه‌های خطی از منظومه وجود دارد و بعضی از نسخ، مستقیماً توسط شاه به شاهزادگان هدیه شده است. شاهنشاهنامه چنان مشهور و معتبر بود که چند سالی پس از اتمام و کتابت نخستین نسخه‌های آن، نسخه‌ای از آن در لندن دیده شده است (رضاقلی میرزا، ۱۳۷۳: ۴۷۳). از اهمیت این اثر همین بس که چاپ سنگی آن به فاصله حدود شصت سال از اتمامش در هندوستان به طبع رسیده است (صبا، ۱۸۶۷/م ۱۲۸۴ق).

توجه ویژه به شاهنشاهنامه، پس از گذشت روزگار صبا و ممدوحش -فتحعلی‌شاه- رفته‌رفته کم شد. در عصر مشروطه و روزگار پس از قاجار، هنگامی که نظام سیاسی پیشین مورد انتقاد مشروطه‌خواهان قرار گرفت، دست‌گاه شاعری و نماد آن نیز از تیغ تیز انتقادات بی‌نصیب نماند. سبک بازگشت ادبی به موجب تکراری و تقلیدی بودن، مورد انتقاد شدید برخی از ادبا قرار گرفت (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۵۹) و طبیعتاً، صبا به عنوان معلم و نماد سبک بازگشت، از انتقادات برکنار نماند. در واقع، صبا در دوره حیات از مواهبی بیش از شاعری بهره‌مند بود و آن مواهب، موجب تحسین بیش‌تر شاعری‌اش را فراهم می‌کرد. همین مواهب،

پس از گردش روزگار موجب انتقادهایی تند و واکنش‌هایی دفعی نسبت به او شد؛ بنابراین می‌توان نقدهای شاهنشاهنامه را به دو دوره تقسیم کرد؛ دوره اول، عصر صباست که از تولد منظومه در ۱۲۲۵ق آغاز و تقریباً تا پایان قرن سیزدهم ادامه می‌یابد. دوره دوم که عصر پساصباست، تا روزگار ما ادامه دارد. درباره‌ی دوره اول نقدها، در بخش درآمد، گزارش مختصری آمده است. بنابراین این پژوهش بر نقدهای وارد بر شاهنشاهنامه، در دوره دوم و سده اخیر متمرکز می‌شود.

پژوهش‌های قرن حاضر درباره‌ی صبا با پژوهش‌های دوران او متفاوت است. این پژوهش‌ها بیش از پژوهش‌های دسته نخست، مورد ارجاع پژوهش‌گران و مطالعه خوانندگان قرار می‌گیرند؛ از این رو پژوهش‌های جدید به تفکیک قالب و ترتیب زمان نگارش، بررسی می‌شوند:

۱-۵- بخشی از کتاب‌ها

۱-۱-۵- حماسه‌سرایی در ایران / چاپ اول: ۱۳۲۱ش.

این کتاب به بررسی متون حماسی در ادب فارسی از آغاز تا قرن چهاردهم قمری می‌پردازد و جزو نخستین و مهم‌ترین منابع پژوهش در ادبیات حماسی فارسی -از جمله شاهنشاهنامه- است. استاد ذبیح‌الله صفا در دسته‌بندی حماسه‌های فارسی، از چهارده حماسه تاریخی نام می‌برد که آخرین آن‌ها شاهنشاهنامه صباست. از دید نویسنده، شهنشاهنامه، بهترین نمونه پیروی از فردوسی از قرن هفتم به بعد است (۱۳۸۷: ۳۷۱). استاد صفا مختصری از زندگی صبا و ویژگی‌های شاهنشاهنامه را ذکر می‌کند، اما در معرفی و تحلیل شاهنشاهنامه، چند اشتباه فاحش دارد، او می‌گوید: «شهنشاهنامه منظومه‌ای است در شرح جنگ‌های عباس میرزا... با سپاه روس... و نخستین موضوع آن محاربه با روس و لشکر کشیدن عباس میرزا است به جنگ روس» (همان‌جا). آنچه استاد صفا گفته است، اساساً نادرست است. شاهنشاهنامه ارتباط مستقیمی با عباس میرزا ندارد، بل که بر تاریخ سلطنت فتحعلی‌شاه متمرکز است و اگر به وقایع تاریخی مرتبط با هرکس -از جمله عباس میرزا- اشاره می‌کند، از جهت بیان تاریخ پادشاهی فتحعلی‌شاه است. علاوه بر این، نخستین واقعه منظومه، جنگ ایران و روس نیست، بل که این وقایع در ربع آخر آن نقل می‌شوند. بنابراین، نویسنده در معرفی کوتاه از منظومه‌ای که آن‌را بهترین حماسه تاریخی می‌نامد، اساساً اشتباه کرده است.

علت این اشتباه، اکتفا به نسخه چاپ سنگی در بمبئی است. گرچه استاد صفا اشاره می‌کند که: «نسخه خطی این کتاب را نگارنده نزد آقای بدیع‌الزمان فروزان‌فر دیده» (همان‌جا) اما دقت چندانی بر نسخه کامل نکرده است. گرچه نسخه چاپ سنگی کمی بیش از پنج‌هزار بیت دارد و نویسنده از آن استفاده کرده است، با تتبع اشتباه شایع - که برآمده از ادعای مبالغه‌آمیز و شاعرانه صباست - تعداد ابیات منظومه را چهل‌هزار، ذکر می‌کند، بدون آن‌که شمارشی انجام داده باشد.

۲-۱-۵- نهضت ادبی ایران در عصر قاجار / چاپ اول: ۱۳۳۳ش.

ابراهیم صفایی در نخستین مدخل کتاب به فتحعلی‌خان صبا پرداخته است، البته تمرکز کتاب بر زندگی صباست و چندان به بررسی آثار او نمی‌پردازد. صفایی در اشاره‌ای کوتاه به شاهنشاهنامه می‌گوید که این منظومه به تبع شاهنامه سروده شده، از نظر ادبی نزدیک به کار فردوسی است و حتی برخی ابیاتش بر شاهنامه غلبه دارند (۱۳۳۳: ۱۴). صفایی برای بیان زندگی صبا به ماجرای سرودن منظومه شاهنشاهنامه اشاره می‌کند و اطلاعات نادرستی ارائه می‌دهد؛ برای نمونه، در تاریخ سرایش اثر می‌گوید که در سفر جنگی شاه به آذربایجان به سال ۱۲۲۸ق، صبا در رکاب شاه بود اما در زنجان بیمار شد و به تهران بازگشت. «در همین سفر، هنگام مراجعت از طرف شاه ماموریت یافت کتابی در برابر شاهنامه فردوسی به نام شهنشاهنامه به بحر تقارب منظوم دارد...» (همان: ۱۲). از همین چند جمله مشخص است که صفایی شناختی از نسخه‌های شاهنشاهنامه نداشت و منظومه را به خوبی بررسی نکرده بود. کامل‌ترین نسخه در دسترس از شاهنشاهنامه، تاریخ ۱۲۲۵ق دارد (صبا، ۱۲۲۵ق: ۴۵۱)، بدیهی است که شروع به سرایش اثر در ۱۲۲۸ق، بی‌اساس است. صفایی در پایان مدخل صبا، ابیاتی به شاهنشاهنامه منسوب کرده است (۱۳۳۳: ۱۵-۱۴) که عمدتاً از این کتاب نیست؛ یکی از این مجموعه ابیات، در تحلیل اثر بعدی بررسی می‌شود.

۳-۱-۵- ایران در دوره سلطنت قاجار / چاپ اول: ۱۳۴۲ش.

علی‌اصغر شمیم، در این کتاب که از منابع مهم پژوهش در تاریخ قاجاریه است، اشاره‌ای به فرهنگ و ادب در آن روزگار دارد. به این مناسبت، چند چهره شاخص ادبی معرفی می‌شوند که نخستین آن‌ها، ملک‌الشعرا صباست. نویسنده، معرفی بسیار کوتاهی از صبا ارائه می‌دهد و در قیاس شاهنشاهنامه با شاهنامه فردوسی، می‌گوید: «خوانندگان با ذوق و نکته‌سنج این

کتاب می‌توانند از مقایسه‌ی چند بیت زیر از *شهنشاهنامه* صبا با *شاهنامه* استاد و حکیم بزرگ طوسی به ارزش ادبی گفتار صبا پی ببرند:

به دیلم مرا بود وقتی سفر / به فرمان دارای جمشید فر
 ز خاک سیه‌فام و آب سفید / به جان گشتم از زندگی ناامید
 به دانگی دو سیم از گذرگاه رود / کشاورز آن مرز راهم نمود...» (شمیم، ۱۳۹۳: ۲۸۸-۲۸۷)

ابیاتی که شمیم ذکر کرده است، از *شهنشاهنامه* نیستند، بل که در منظومه‌ی تعلیمی *گلشن صبا* آمده‌اند (صبا، ۱۳۱۳: ۲۲-۲۳). ابیات ذکر شده، بیش از آن که شبیه به بیت‌های *شاهنامه* باشند، با ابیات *بوستان سعدی* قابل قیاسند. چنین خطای فاحشی، از آن روست که شمیم به متن *شاهنشاهنامه* مراجعه نکرده است و با سبک سرایش آن آشنا نیست. البته شمیم، این ابیات را از کتاب *نهضت ادبی ایران در دوره قاجار* نقل کرده است، با این حال، او به دلیل ناآشنایی با متن *شاهنشاهنامه*، ابیاتی بی‌ارتباط با آن منظومه را به عنوان شاهدهی برای قیاس صبا با شاعری دیگر آورده است.

۴-۱-۵- / از صبا تا نیما / چاپ اول: ۱۳۵۰ ش.

یکی از مآخذ مهم پژوهش درباره‌ی شعر دوره‌ی بازگشت، فتحعلی‌خان صبا و *شاهنشاهنامه*، کتاب از *صبا تا نیما* نوشته‌ی یحیی آرین‌پور است. این کتاب به بررسی دوره‌ای یک‌صد و پنجاه ساله از شعر فارسی می‌پردازد و نخستین شاعر مورد نظرش، صباست. کتاب با این تقسیم‌بندی، صبا را شاعری دوران‌ساز و صاحب‌سبک می‌داند. آرین‌پور، درباره‌ی *شاهنشاهنامه* به صورت جداگانه سخن گفته است که گواه اهمیت این منظومه در میان آثار صباست. او ادعاهای ستایش‌آمیز معاصران صبا درباره‌ی اهمیت منظومه‌ی *شاهنشاهنامه* و برتری آن بر *شاهنامه* را «نه تنها بسیار اغراق‌آمیز، بل که ابلهانه» می‌خواند (۱۳۸۷: ۲۳). نویسنده به‌رغم نگاه دقیق و بررسی علمی، درباره‌ی *شاهنشاهنامه*، ادعاهایی نادرست مطرح کرده است. برای نمونه، آرین‌پور -مانند ابراهیم صفایی- سرایش *شاهنشاهنامه* را بعد از ۱۲۲۸ق دانسته (همان: ۲۲) که، بنا به دلایل بیان شده‌ی پیشین، قطعاً اشتباه است. آرین‌پور با اشاره به تقلید کورکورانه‌ی صبا از فردوسی، منظومه‌ی او را فاقد ارزش تاریخی می‌داند:

«با اینکه غرض شاعر، سرودن یک حماسه‌ی تاریخی است... جست‌وجوی وقایع حقیقی در این داستان بیهوده است و تمام حوادث در دریای بی‌کران آرایش‌های لفظی، غرق و نابود

می‌شود... خلاصه شاهنشاهنامه او چیزی جز یک مدیحه سربسته درباره فتحعلی‌شاه و فرزندش عباس‌میرزا نیست و در واقع قصیده جای خود را به یک ستایش‌نامه مفصل مثنوی داده است» (همان: ۲۴).

داوری آراین‌پور درباره شاهنشاهنامه تا حدی قابل درک است. البته او روی‌کردی مبالغه‌آمیز دارد؛ این که هیچ حقیقت تاریخی در شاهنشاهنامه قابل استنتاج و شناخت نیست، به هیچ عنوان قابل قبول نیست. سرودن شاهنشاهنامه احتمالاً در سال ۱۲۲۱ق آغاز شده و در سال ۱۲۲۵ق به اتمام رسیده است؛ بنابراین در شمار نخستین منابع تاریخی درباره وقایع دوران فتحعلی‌شاه، به‌ویژه جنگ‌های ایران و روس است. از نظر تاریخی، این منظومه فاصله زمانی کوتاهی با تاریخ جهان‌آرا (۱۲۲۲ق) دارد و بر مآثرالسلطنیه (۱۲۴۱ق) مقدم است؛ تاریخ سرودن منظومه، شاهنشاهنامه را به متنی دست اول برای مطالعه تاریخ روزگار خود، به ویژه جنگ‌های اول ایران و روس تبدیل و ادعای مطلق و جزمی آراین‌پور درباره بی‌اعتباری تاریخی منظومه را رد می‌کند [۱]. البته بدیهی است که روایت تاریخ، در میان انبوه آرایه‌های ادبی، ویژگی‌های سبکی و مداخل متملقانه، گاه دشواریاب و پیچیده می‌شود.

در نقد آراین‌پور بر شاهنشاهنامه، دو نکته منحصربه‌فرد وجود دارد؛ اول آن که او برخلاف قاطبه ناقدان، که به تقلید منابع سلف و متن اثر، تعداد ابیات منظومه را حدود چهل‌هزار بیت نوشته‌اند، عمل نکرده است و به عدد صحیح «کم‌تر از سی و سه‌هزار بیت» اشاره می‌کند (همان: ۲۲). دوم آن که به یک چشم‌انداز مهم در شاهنشاهنامه وقوف دارد و آن انعکاس «نظر و عقیده رسمی دربار ایران» درباره جنگ با روس است (همان: ۲۴). آراین‌پور نیز در ذکر ابیاتی از شاهنشاهنامه، تنها به بخش جنگ ایران و روس که چارک آخر متن را شامل می‌شود و در چاپ سنگی منتشر شده است، اکتفا می‌کند؛ این نکته می‌تواند به پسند منتقد یا عدم دسترسی او به متن کامل بازگردد.

۵-۱-۵- سبک شعر در عصر قاجاریه / چاپ اول: ۱۳۵۰ش.

نصرت تجربه‌کار، در بخش بررسی بیست شاعر مؤثر عصر قاجار، در ابتدا به سراغ فتحعلی‌خان صبا رفت. او ضمن معرفی شاعر، تحلیلی کوتاه از شاهنشاهنامه ارائه داد و آن را «بزرگ‌ترین اثر صبا» خواند (۱۳۵۰: ۶۴). نوع روایت تجربه‌کار از شاهنشاهنامه، اشراف او بر نسخه کامل متن را نشان می‌دهد. ابعاد مختلف متن مانند دوره‌های تاریخی، موضوعات و

شخصیت‌های گوناگون، در گزارش تجربه‌کار انعکاس یافته‌اند که بسیار فراتر از اشعار منتشر شده در چاپ سنگی است. نویسنده در مقدمه اشاره می‌کند که نسخه‌ی خطی شاهنشاهنامه را در کتابخانه‌ی مجلس خوانده است (همان: ه). تجربه‌کار معتقد است که موضوع مدحی منظومه، موجب کم‌وزنی او نزد اهل ادب است و گرنه «اشعار خوب و مضامین عالی در آن بسیار است» (همان: ۶۵). گرچه نویسنده نسخه‌ی خطی کامل متن را خوانده و با دقت بررسی کرده است، تحلیلی کوتاه و بسیار گذرا از شاهنشاهنامه ارائه می‌دهد و چندان به بررسی آن نمی‌پردازد. البته تجربه‌کار نیز -احتمالاً بر اساس ادعای صبا و گفته‌ی تذکره‌نویسان- تعداد ابیات منظومه را چهل هزار گفته است (همان‌جا).

۶-۱-۵- شعر در عصر قاجار / چاپ اول: ۱۳۶۴ ش.

مهدی حمیدی شیرازی در این کتاب، به بررسی و تحلیل شعر ده تن از شعرای دوره‌ی نخست قاجار -از آغاز قرن سیزدهم تا مشروطه- می‌پردازد. نخستین شاعر مورد نظر او صباست. او در گزارشی کوتاه از شاهنشاهنامه، این منظومه را به جهت حماسی و تاریخی فاقد ارزش می‌داند (۱۳۶۴: ۲۸) و در ادامه‌ی این حکم، می‌گوید که وقتی کلیت اثری فاقد ارزش است، چنان‌که ابیاتی ارزش‌مند نیز در آن یافت شود، در اصل کار تفاوتی ایجاد نمی‌کند؛ گرچه: «اشعار پست و پیچیده در آن کم نیست، البته شعر متوسط هم زیاد دارد و ابیات برجسته هم در آن بسیار دیده می‌شود» (همان: ۲۹). نقد حمیدی، به رغم اصرار بر دقتی که در مقدمه دارد و بر آن اساس بر منتقدان دیگر خرده می‌گیرد، منحصر به نسخه‌ی چاپ سنگی است، چنان‌که به اشتباه می‌گوید: «این دیوان {شاهنشاهنامه} مشتمل بر پنج‌هزار و پانصد بیت است» (همان: ۲۶).

۷-۱-۵- تاریخ ادبیات ایران در دوره‌ی بازگشت ادبی / چاپ اول: ۱۳۷۳ ش.

این کتاب در دو جلد به بررسی ادبیات ایران -نظم و نثر- در دوره‌ی سبک بازگشت می‌پردازد. احمد خاتمی در دو موضع درباره‌ی شاهنشاهنامه سخن گفته است. یک‌بار در معرفی آثار صبا، به موضوعات طرح شده در شاهنشاهنامه اشاره می‌کند، آن هم به گونه‌ای که گویا نسخه‌ی خطی به طور کامل مشاهده شده است؛ مثلاً از موضوعاتی چون جنگ‌های دوره‌ی آقامحمدخان و وصف زنان شاه چون طوطی و نوش‌آفرین، سخن می‌گوید که در گزیده چاپ سنگی نیست (خاتمی، ۱۳۷۳: ۳۳۱). در جایی دیگر، مطالب کتاب نادرست و متناقض است. در

بررسی انواع شعر دوره بازگشت، خاتمی به شاهنشاهنامه اشاره می‌کند و اثر را چنین معرفی می‌کند: «مشمتمل بر پنج هزار و پانصد بیت است و به تمامی اختصاص به فتوحات و جنگ‌های فتحعلی‌شاه دارد. موضوع این منظومه، شرح جنگ‌های عباس‌میرزا با سپاهان روس در آن سوی ارس است» (همان: ۲۳۴). جالب آن است که در پاورقی همین صفحه، درباره تعداد ابیات شاهنشاهنامه تشکیک وارد می‌کند و می‌گوید که صبا منظومه خود را چهل‌هزار بیتی خوانده است (همان). از این نقل قول، مشخص است که نویسنده، مطلب را از جایی دیگر گرفته و یا تنها به چاپ سنگی اکتفا کرده است.

۸-۱-۵- شعر دوره بازگشت / چاپ اول: ۱۳۷۵ش [۲].

محمد شمس لنگرودی در نقد شاهنشاهنامه، نگاهی کلی دارد و شناخت جزئیات منظومه را مورد توجه قرار نداده است. از دید نویسنده، صبا صرفاً تقلیدی زبانی از فردوسی انجام داد و در آن نیز «راست نمی‌گوید» چرا که «عناصر شعر در نظام آن مصداق ندارد» (۱۳۹۷: ۲۰۱). از دید شمس لنگرودی، مصداق تاریخی شعر صبا با زبان حماسی و اسطوره‌ای آن سازگار نیست و شکلی «خنده‌آور» به اثر می‌دهد (همان: ۲۰۳). گرچه کتاب، بررسی و معرفی دقیقی از شاهنشاهنامه ارائه نداده است تا بتوان به نقدش پرداخت، در اشارات مقدماتی‌اش، تعداد کل ابیات سروده شده صبا را چهل‌هزار خوانده است (همان: ۱۹۸) که با نسخه‌های موجود شاهنشاهنامه - که به تنهایی سی و سه هزار بیت است - و روایت متواتر تذکره‌ها، سازگار نیست.

۹-۱-۵- تاریخ ادبیات و قلمرو زبان فارسی (۴) با روی‌کرد ژانری / چاپ اول: ۱۳۹۴ش.

مهدی زرقانی در جلد چهارم اثرش، به دوران قاجار و سبک بازگشت می‌پردازد و به این دلیل اشاراتی مختصر به صبا و شاهنشاهنامه دارد و بحث او درباره شاهنشاهنامه، مفصل و متمرکز نیست. زرقانی نیز تعداد ابیات شاهنشاهنامه را چهل‌هزار بیت می‌شمارد که ناظر به ادعای مبالغه‌آمیز شاعر و تذکره‌های قدیمی است، اما موضوع اثر را «حماسه‌ای تاریخی در جنگ‌های فتحعلی‌شاه و عباس‌میرزا با سپاه روس» می‌داند (۱۳۹۴: ۳۵)؛ نظری نادرست که ناظر به نسخه چاپ سنگی و پژوهش‌های منحصر به آن است.

۵-۲- مقالات

۵-۲-۱- «زندگی و شخصیت ملک‌الشعرا فتحعلی‌خان صبا» / تاریخ انتشار: ۱۳۲۹ش.

این مقاله بر زندگی صبا متمرکز است و چندان به شاهنشاهنامه توجه نمی‌کند. مهم‌ترین نکته مقاله در ارتباط با شاهنشاهنامه، تخمین زمان سرایش متن است. نجوانی، ضمن روایت چگونگی آغاز سرایش اثر -سفر شاه به قفقاز برای جنگ با روس، التزام رکاب صبا و بیماری او- تاریخ آن را ۱۲۲۴ق می‌داند [۳]، که دقیق نیست. در شاهنشاهنامه و تذکره‌های معاصران صبا، دوره سه یا چهار ساله سرودن منظومه مورد تأکید است و نجوانی نیز بر آن صحنه می‌گذارد. بنابراین، با توجه به وجود نسخه‌ای از سال ۱۲۲۵ق، نمی‌توان تاریخ ۱۲۲۴ق برای آغاز سرودن متن را پذیرفت. اشاره حسین نجوانی به موضوع شاهنشاهنامه، گویای آشنایی او با متن اصلی است: «شهنشاهنامه‌اش در ذکر اجداد فتحعلی‌شاه قاجار و کیفیت جنگ‌ها و فتوحات و حکایات منسوب به دوره فتحعلی‌شاه است» (۱۳۲۹: ۱۹۶).

۵-۲-۲- شاهنامه‌ای که پایانش خوش نبود: بررسی یک متن تاریخی دوره قاجار / سال انتشار: ۱۳۸۴ش.

این مقاله نخستین پژوهش سامان‌یافته با اصول جدید درباره شاهنشاهنامه و متأسفانه ضعیف‌ترین پژوهش در این باره است. یوسف متولی حقیقی، بدون نظر به متن اصلی، تنها به واسطه نسخه چاپ سنگی، ادعاها و حتی پیشنهادهایی را مطرح کرده است که بر شالوده‌ای نادرست بنا شده‌اند. نویسنده، تاریخ سرودن متن را بین سال‌های ۱۲۲۸ تا ۱۲۳۱ق می‌داند (۱۳۸۴: ۵۷) که از حقیقت بسیار دور است؛ چرا که چندین نسخه خطی متعلق به قبل از ۱۲۳۱ق موجود است. اشتباه فاحش و بزرگ دیگر مقاله، انتساب هفتاد هزار بیت به شاهنشاهنامه است (همان: ۶۱) در حالی که حتی منابع دست‌اول، همگی شاهنشاهنامه را چهل هزار بیت نوشته‌اند و مجموع ابیات آن با مثنوی حماسی دیگر صبا -خدایندنامه در وصف پیامبر و حضرت علی- را هفتاد هزار ذکر کرده‌اند. ادعای عجیب دیگر متولی حقیقی، آن است که صبا منظومه را پس از پایان جنگ ایران و روس سروده (همان) که برآمده از خطا در برآورد تاریخ سرودن متن است؛ صبا به جاری بودن جنگ در زمان سرودن اثر اشاره و از وقایع هفتمین سال آن یاد کرده است:

«کنون هفت‌سال است کان شیردل / ز گرگان روسی بود پی‌گسل» (صبا، ۱۳۲۵: ۴۴۶و).

از اشتباهات مقاله، نامیدن یکی از فرماندهان سپاه روس با نام «اباشیف» است (متولی حقیقی، ۱۳۸۴: ۷۱)؛ این فرمانده «شیف» نام دارد و احتمالاً بدخوانی مصرع «پلادو ابا شیف لشکرشکن» (صبا، ۱۳۲۵: ۳۴۰) که به معرفی فرماندهان روس می‌پردازد، نویسنده را به خطا انداخته است. در نهایت، عجیب‌ترین اشتباه مقاله، ماجرای قتل سیاسیانوف - نخستین فرمانده روس‌ها در جنگ - است. نویسنده، به اشتباه وقایع تاریخی شاهنشاهنامه را مابین سال‌های ۱۲۱۸-۱۲۲۰ ق می‌داند (متولی حقیقی، ۱۳۸۴: ۷۲)؛ در حالی که وقایع تا سال ۱۲۲۵ ق ادامه دارند؛ او بر همین اساس، اظهار می‌کند که ای کاش ماجرای قتل سیاسیانوف در گنجه، در این منظومه گنجانده می‌شد تا آن‌که بعد حماسی بهتری به متن دهد (همان‌جا)؛ حال آن‌که داستان قتل سیاسیانوف، سپس گرداندن دستان بریده‌اش در ولایات و بردار کشیدن سرش در تهران، با آب و تاب فراوان در منظومه آمده است (صبا، ۱۳۲۵: ۴۱۲-۴۱۵)، اما چون نویسنده مطلقاً شناختی از متن اصلی نداشت، این رکن حماسی منظومه را در قالب پیشنهادی برای صبا مطرح کرده است.

۳-۲-۵- «شهنشاهنامه فتحعلی خان صبا: نسخه ۵۹۹۸ کتابخانه ملک، شاه‌کاری از هنر دوره قاجار: / سال انتشار: ۱۳۹۰ش.

این مقاله به نسخه‌ای خاص می‌پردازد و از منظر هنر به شاهنشاهنامه نگاه می‌کند. با این حال، درباره‌ی دوره‌ی سرودن شاهنشاهنامه، خطایی فاحش دارد. در مقاله گفته شده است که صبا تا پایان عمر به سرودن شاهنشاهنامه اشتغال داشت (خودداری نایینی، ۱۳۹۰: ۴۸)، در حالی که منظومه در سال ۱۲۲۵ ق به پایان رسیده است و نزدیک‌ترین زمانی که برای وفات صبا ذکر شده است، سال ۱۲۳۴ ق است (دنیل، ۱۳۴۳: ۴۴). البته بیش‌تر منابع به ۱۲۳۸ ق به عنوان سال وفات صبا اشاره کرده‌اند (محمودمیرزا، ۱۳۴۶: ۸۰). نویسنده در جایی دیگر، حرف خود را نقض می‌کند؛ او سال ۱۲۳۰ ق را پایان سرودن شاهنشاهنامه و ۱۲۳۸ ق را سال مرگ صبا می‌خواند. از نقاط مثبت این مقاله، بررسی نسخه‌ی خطی است؛ بنابراین نویسنده به درستی تخمین زده است که منظومه شامل حدود سی و سه هزار بیت است (همان: ۵۴).

۴-۲-۵- «بررسی سبکی و محتوایی شاهنشاهنامه فتحعلی خان صبا و مقایسه آن با شاهنامه فردوسی» / سال انتشار: ۱۳۹۰.

این مقاله بر خلاف غالب پژوهش‌ها، به کل متن نظر داشته است. مؤذن با بررسی مختصر شباهت‌های سبکی شاهنامه و شاهنشاهنامه از حیث زبانی و محتوایی، مقاله‌ای روشن‌گر و راه‌گشا در این زمینه نوشته است. در این مقاله دو مسأله قابل توجه به چشم می‌خورد؛ نخست آن که داوری نویسنده در آغاز و فرجام مقاله نسبت به شاهنشاهنامه، متباین و متضاد است. در آغاز مقاله چنین آمده است: «به طور کلی قدرت شاعری اش {صبا} در توصیف، اگر به پای فردوسی نرسد، کم‌تر از او نیست» (مؤذن، ۱۳۹۰: ۳۳). در آخرین بخش مقاله، ارزش شاعری صبا نادیده و ناچیز انگاشته شده است: «صبا را فقط از منظر سرعت شاعری می‌توان ستود، در غیر این صورت کار او جز تقلیدی صرف از کار فردوسی نیست و هیچ‌گونه ابتکار و نوآوری در کار او دیده نمی‌شود» (همان: ۳۹). داوری مقاله تا حدی قابل فهم، اما مطلق‌انگاری آن محل تأمل و اشکال است.

به نظر می‌رسد که گرچه نویسنده متن کامل را مد نظر قرار داده و در چارچوب اهداف پژوهش کوشیده، استفاده از نسخه‌ای نامعتبر، در کار او اشکالاتی اساسی ایجاد کرده است. این مقاله گرچه اشعار را از نسخه‌ای خطی گزارش کرده، اما نشانی این نسخه را نداده است. به نظر می‌رسد این نسخه بسیار مغلوط و پراشتباه باشد چرا که مثلاً، مقاله در جایی به جنگ عباس میرزا و اشپخدر (سیسیانوف) اشاره می‌کند و ابیاتی را می‌آورد که در آن شاهزاده قاجار، فرمانده روس را می‌کشد (همان: ۳۸) در حالی که این اتفاق به هیچ‌وجه در نسخه‌های اصلی منظومه نیامده و ابیات ذکر شده هم به رجزخوانی عباس میرزا و یکی از افسران روس به نام گراویچ مربوط است (صبا، ۱۳۲۵: ۳۹۶). مقاله در جایی دیگر هم از جنگ شاهزاده خردسال، محمدتقی و زخمی شدن او سخن می‌گوید. هم‌چنین ابیاتی را از زبان شاهزاده مجروح، مبنی بر انتقام‌جویی پدر -شاه- می‌آورد تا شباهت ماجرا با صحنه پایانی نبرد رستم و سهراب را نشان دهد؛ درحالی‌که این واقعه هم در نسخه‌های اصلی شاهنشاهنامه نیست و ابیات ذکر شده، به دل‌داری صدراعظم -محمد شفیع مازندرانی- به عباس میرزا بعد از شکست از روس‌ها اختصاص دارد (همان: ۳۴۵).

۵-۲-۵- «برخی شباهت‌های شاهنامه فردوسی و شهنشاهنامه صبا» / سال انتشار: ۱۳۹۴ ش.

این مقاله تحلیلی فنی و قابل قبول از ویژگی‌های ادبی شاهنشاهنامه و مقایسه آن با شاهنامه ارائه می‌دهد، اما به جهت انحصار متن به چاپ سنگی، در داوری‌ها و بعضی برداشت‌ها به خطا رفته است. نویسندگان، خود اشاره می‌کنند که به رغم وجود نسخ خطی، تنها از چاپ سنگی استفاده کرده‌اند (فتحی گلین‌بلاغی و حسن‌زاده نیری، ۱۳۹۴: ۱۳۵-۱۳۴). در پی این اشتباه بنیادی، خطاهای فاحشی در کارشان اتفاق افتاده است؛ مثلاً در تعداد ابیات منظومه شک کرده‌اند: «یحیی آراین پور تعداد ابیات شهنشاهنامه را چهل هزار بیت ذکر کرده است... ما یک نسخه چاپ سنگی آن را تهیه کردیم... تعداد ابیات ۵۶۱۳ بیت است...» (همان: ۱۳۴). نویسندگان، نسبت به آن که آراین پور، منظومه را «شاهنشاهنامه» می‌خواند ابراز تعجب می‌کنند و به واسطه بیتی از منظومه، نام درست آن را «شهنشاهنامه» می‌دانند (همان: ۱۳۵)؛ در حالی که این تغییر به ضرورت وزن اتفاق افتاده است- چنان که فردوسی نیز در حماسه ملی از نام «شاهنامه» یاد نکرد- و در مقدمه‌های رسمی متن و یادداشت پایانی کاتب در نسخه‌های اصلی، مانند بیشتر متون و منابع هم‌عصر صبا، منظومه را شاهنشاهنامه نامیده‌اند.

۵-۲-۶- «بررسی نسخه مصور شاهنشاهنامه موجود در کتابخانه مجلس و شناسایی تصویرگر آن» / سال انتشار: ۱۳۹۶ ش.

این مقاله به بررسی وجوه هنری نسخه‌ای از شاهنشاهنامه اختصاص دارد. نویسندگان که در جست‌وجوی هویت نقاش نسخه‌ای از منظومه هستند، به خوبی کار تحلیلی خود را به انجام رسانده‌اند؛ اما درباره شاهنشاهنامه، اشتباهی فاحش رخ داده است. نویسندگان در مقدمه می‌گویند که «صبا در سال ۱۲۱۲ق در هنگام جلوس فتحعلی‌شاه، قصیده غرایی را در مدح شاه می‌سراید که مورد توجه شاه قرار گرفته و دستور می‌دهد که صبا تاریخ قاجاریه را از ابتدا به نظم درآورد و صبا به نظم شاهنشاهنامه همت می‌گمارد» (لونی و اقبالی، ۱۳۹۶: ۶). این مطلب بسیار بدیع و بی‌تکرار است. منابع دست‌اول، در صدر آن‌ها مقدمه نشاط بر شاهنشاهنامه، سرودن منظومه را به دوران جنگ‌های ایران و روس (بعد از ۱۲۱۸ق) نسبت می‌دهند. این مقاله، آغاز سرودن را بدون هیچ ارجاعی، سال ۱۲۱۲ق ذکر کرده است.

۷-۲-۵- «هویت جغرافیایی در شاهنشاهنامه صبا به مثابه مؤلفه کلان هویت ملی» / سال انتشار: ۱۳۹۸.

نویسندگان این مقاله، بیش از شاهنشاهنامه - به بیان مقاله: شاهنشاهنامه - بر مفهوم هویت ملی تأکید داشتند و از متن، به عنوان مورد مطالعاتی استفاده کردند؛ بنابراین، چندان درباره منظومه سخن نگفتند. این مقاله به تبعیت از آثار سلف، درباره تعداد ابیات شاهنشاهنامه اشتباه کرده است: «تعداد ابیات آن را از پنج تا چهل هزار گفته‌اند» (فلاح و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۴۲). در این مقاله تأکید شده است که شاهنشاهنامه، به گونه‌ای در چارچوب ادبیات پای‌داری جا می‌گیرد (همان: ۱۵۳) و صبا، متأثر از شکست‌های ایران از روس، «بر اثر روحیه حسرت و ناامیدی» منظومه را سروده است (همان: ۱۵۲). در جایی به صورت تلویحی، به تأثیر عهدنامه گلستان بر صبا در سرودن شاهنشاهنامه اشاره شده است (همان: ۱۴۴). هم‌چنین نویسندگان در جدولی، بسامد کلماتی چون ایران، مرز و نام برخی سرزمین‌های جدا شده در جنگ اول ایران و روس را، برای تأکید بر اهمیت بعد جغرافیایی هویت ملی آورده‌اند (همان: ۱۵۱). قناعت نویسندگان به چاپ سنگی و ندیدن متن کامل، موجب لغزش در ارائه داده‌های کمی مقاله و شکل‌گیری درک کاملی از فضای منظومه شده است. صبا، شاهنشاهنامه را برای نمایش شکوه دوران فتحعلی‌شاه سرود و نشانی از حسرت و اندوه در این منظومه - لااقل سطح ظاهری متن - نیست. نمود آن، روز پرشکوهی - در بخش‌های انتهایی منظومه - است، که فتحعلی‌شاه، چهار فتح‌نامه از چهارسوی دریافت می‌کند که اتفاقاً نخستین آن از جبهه روس است (صبا، ۱۳۲۵: ۳۹۹ و). صبا، پیروزی‌های کوچک و بزرگ ایران را با لحنی مبالغه‌آمیز وصف کرده و از کنار شکست‌ها به سرعت گذشته است. هم‌چنین، پرواضح است که گرچه صبا یک دهه بعد از امضای معاهده گلستان زیست، اما شاهنشاهنامه، منحصر به هفت‌سال نخست جنگ اول ایران و روس است و چندسالی پیش از عهدنامه گلستان (۱۳۲۸ق) سروده شده است؛ بنابراین، تأثیر عهدنامه بر منظومه قابل قبول نیست.

۸-۲-۵- «بن‌مایه‌های اساطیری و بازتاب حضور فرهنگ عامه در دوره حماسه منظوم قاجار» / سال انتشار: ۱۳۹۹ ش.

این مقاله بن‌مایه‌های حماسی اصلی شاهنامه را در شاهنشاهنامه با نگاهی تحلیلی و علمی جست‌وجو کرده است. نویسندگان در پیشینه پژوهش به اکتفای بیشتر پژوهش‌ها به چاپ

سنگی اشاره می‌کنند (هادی و نامی، ۱۳۹۹: ۶۴). بنابر این، به نظر می‌رسد که نویسندگان یکی از دام‌چاله‌های اصلی پژوهش درباره شاهنشاهنامه را یافته‌اند و خود قصد دارند به نسخه‌های کامل خطی مراجعه کنند، با این حال آنان نیز در بررسی خود منحصر به بخش‌هایی شدند که در چاپ سنگی آمده بود. یعنی گرچه نسخه‌ای خطی را ملاک کار خود قرار دادند، اما، بازهم گستره ابیات را از بازه منتشر شده در چاپ سنگی فراتر نبردند: «برای بررسی موضوع، تنها بخش پایانی شاهنشاهنامه را مطالعه خواهیم کرد که به روایت جنگ ایران و روس اختصاص دارد» (همان: ۶۳-۶۴). نویسندگان هیچ دلیلی بر ترجیح این بخش نیاورده‌اند. انتخاب نسخه خطی این مقاله نیز محل بحث است؛ نویسندگان نسخه شماره ۵۸۷ کتابخانه مجلس را اصل قرار داده و اظهار کرده‌اند: «کامل‌ترین دست‌نویس در بین نسخ کهن شاهنشاهنامه به شمار می‌رود» (همان: ۶۴). در حالی که این ادعا چندان درست نیست؛ نسخه‌های کامل دیگری از این منظومه وجود دارند که بین ۳ تا ۵ سال بر نسخه مورد نظر قدمت دارند (برای نمونه، صبا: ۱۲۲۵ و صبا: ۱۲۲۶ و صبا: ۱۲۲۷).

۳-۵- پایان‌نامه و رساله‌ها

۱-۳-۵- تصحیح و تعلیق *خداوندنامه صبا* کاشانی (قسمت اول) / سال دفاع: ۱۳۸۸ ش.

در این پایان‌نامه، پژوهش‌گر به تصحیح حدود پنج‌هزار بیت از مثنوی دیگر صبا، *خداوندنامه* می‌پردازد و تعلیقات مفیدی بر آن می‌افزاید و همچنین اطلاعات گسترده‌ای را درباره صبا گردآوری می‌کند، ولی در توضیحاتش درباره شاهنشاهنامه راه به خطا می‌برد. نویسنده بدون آن‌که اشاره‌ای به منبع مورد استفاده خود کند- از چاپ سنگی بهره برده است که موجب خطاهایی بسیار می‌شود؛ او بازه تاریخی رخدادهای شاهنشاهنامه را منحصر به دوران جنگ‌های ایران و روس دانسته و نخستین وقایع کتاب را، بر آن اساس شرح داده است (سمساریان، ۱۳۸۸: ۲۰). جالب آن‌که، نویسنده در متن و پایان کتاب، ذکری از هیچ نسخه شاهنشاهنامه که از آن بهره برده، نکرده و به آن ارجاع نداده است. این پژوهش نیز به سنت گذشتگان، در چکیده آغازین، آغاز سرودن شاهنشاهنامه را پس از ۱۲۲۸ ق بیان کرده است.

۲-۳-۵- حماسه‌سرایی در عصر قاجار با تکیه بر حماسه‌های تاریخی / تاریخ دفاع: ۱۳۹۴ش.

در این پایان‌نامه، چند منظومه حماسی دوره قاجار، بررسی شده است. مهم‌ترین این منظومه‌ها، شاهنشاهنامه است. پژوهش‌گر در بخشی از این پایان‌نامه، داستان بخشی از منظومه را به طور خلاصه روایت کرده است (بیاتی، ۱۳۹۴: ۸۳-۱۸۲) که نشان‌دهنده آشنایی او با نسخه خطی اثر است؛ روایت بیاتی از آغاز کتاب تا تولد فتحعلی‌شاه است و بخش‌های بعدی روایت نشده است. البته در این روایت، گاه ظرافت‌هایی حذف شده‌اند، مثلاً ورود راوی خوش‌سخنی با نام طوطی، که حدود نیمی از ماجرا را روایت می‌کند. این تغییر هنرمندانه راوی، در گزیده بیاتی منعکس نشده است. بیاتی گرچه به متن نسخه خطی اشراف دارد، اما چند اشتباه در گزارشش از شاهنشاهنامه انجام داده است. مهم‌ترین اشکال، انتخاب نسخه خطی است؛ نسخه خطی موردنظر پژوهش، نسخه ۵/۱۰۱۲۹ کتابخانه ملی است (همان: ۸۲) که نسخه‌ای ناقص است و بخش‌هایی بسیاری از اثر را ندارد. نویسنده، به اشتباه نخستین موضوع کتاب را جنگ ایران و روس می‌داند (همان‌جا) که با توضیحات خود او مغایر است. همچنین، او نیز به جهت عدم تسلط کافی بر نسخه‌های اصلی، تاریخ سرودن منظومه را به تبع دیگران، ۱۲۲۸ق گفته است (همان: ۷۱). نکته جالب آن‌که در نتیجه‌گیری، نام مادر شاه، «مریم» آمده (همان: ۲۷۱) که اشتباهی فاحش است؛ صبا به جهت احترام، مادر شاه را «مریم راستین» (صبا، ۱۳۲۵: ۱۳۳) خوانده است، چنان‌که در ابیاتی دیگر، مادر شاه را به نام زنان مشهور در سنت ادب پارسی چون نوشابه (همان: ۱۳۴)، قیدافه (همان: ۵۱) و بلقیس (همان: ۵۰) نامیده است [۴].

۳-۳-۵- بررسی مؤلفه‌های هویت ملی در آثار حماسی دوره قاجار با تکیه بر شهنشاهنامه فتحعلی‌خان صبا / تاریخ دفاع: ۱۳۹۸ش.

مقاله‌ای که در بخش (۷-۲-۵) بررسی شد، برآمده از این رساله است؛ از این رو، خطاهای آن مقاله در اینجا نیز قابل مشاهده است. در این رساله نیز، شاهنشاهنامه در مرکز توجه نیست و تمرکز پژوهش‌گر بر مسأله هویت ملی است. هم‌چنین، پژوهش‌گر، کتابی با عنوان هویت ملی در مکتب بازگشت با الهام از شاهنشاهنامه صبا (احمدی، ۱۳۹۸) از رساله استخراج کرده است.

۴-۳-۵- تصحیح متن شاهنشاهنامه صبا (زندگی عباس میرزا) / تاریخ دفاع:
۱۳۹۹ش.

این رساله ضمن تصحیح چارک پایانی متن شاهنشاهنامه، مقدمه‌ای علمی و تعلیقاتی ارزشمند دارد. آنچه مشخص است، آگاهی نویسنده از موضوعات مطرح شده در شاهنشاهنامه و آشنایی با متن کامل منظومه است. در بخش پیشینه پژوهش، صبرا نامی بعضی آثار پیشین را معرفی و نقد کرده است. او به درستی اشاره می‌کند که: «همه این پژوهش‌ها چاپ سنگی شاهنشاهنامه (حاوی روایت دو سال آغازین جنگ) را معیار پژوهش قرار داده‌اند که موجب شده غالباً در قضاوت‌ها دچار اشتباه شوند» (نامی، ۱۳۹۹: ۹). به نظر می‌رسد که نویسنده رویکرد مناسبی به تحلیل متن دارد و کاستی اصلی نقدهای نادقیق پیشین پی برده است. با این حال، این پایان‌نامه در شناخت نسخه/نسخه‌های اصلی دچار خطا شده است. نسخه‌هایی که این رساله در تصحیح متن از آن‌ها بهره گرفته است، بهترین و دیرین‌ترین نسخه‌های موجود از متن نیستند. گرچه نویسنده به نسخه‌های شاهنشاهنامه در خارج از کشور اشاره کرده (همان: ۱۰)، اما به نسخه‌های داخل اکتفا نموده است. در انتخاب میان نسخه‌های داخلی نیز، دقت کافی دیده نمی‌شد. رساله، نسخه شماره ۵۸۷ کتابخانه مجلس را به عنوان نسخه اصلی برگزیده و آن را «کهن‌ترین نسخه - کامل - شناخته شده تا امروز» دانسته است (همان: ۱۱). این نسخه تاریخ کتابت ندارد، اما شاه هنگام تقدیم اثر به یکی از شاهزادگان، تاریخ ۱۳۳۰ ق را ثبت کرده است. بر این اساس، نسخه مورد نظر از اعتبار کم‌تری نسبت به چند نسخه دیگر برخوردار است (برای نمونه: صبا، ۱۳۲۵ یا صبا، ۱۳۲۶). طرفه آن‌که، این رساله در دانش‌گاه تهران نوشته شده است، و در کتابخانه مرکزی این دانش‌گاه، نسخه‌ای کامل، خوانا، تزیین شده و حاوی مینیاتور و مقدمه به تاریخ ۱۲۲۷ ق وجود دارد (صبا، ۱۳۲۷ ق) که رساله به آن توجهی نکرده است. در انتخاب نسخ بدل نیز مسائلی وجود دارد؛ نخست آن‌که، دو نسخه از آن‌ها (نسخ ۲۱۷۲ ملی و ۱۳۳۸۰۸۲ ملی) ناقصند. دیگر آن‌که، نسخه ۱۲۴۰ سلطنتی نیز فاصله‌ای پانزده‌ساله با دیرین‌ترین نسخه یافت شده دارد. در این فاصله، حداقل هشت نسخه کامل دیگر - از جمله نسخه اصلی رساله - در دسترس است. چهارمین نسخه بدل - نسخه ۲۰۱۵۷ ملی - نیز در قرن بعدی و به سال ۱۳۰۱ ق نوشته شده است. بنابراین، این پژوهش‌گر، به رغم دقت نظر علمی در شناخت منظومه، تحلیل و تصحیح خوب و تعلیقات ارزشمند، متأسفانه در شناخت نسخ اصلی، دقت کافی به خرج نداده است.

نتیجه‌گیری

شاهنشاهنامه صبا، با همه اهمیت و معروفیت، چندان مورد نقد و بررسی قرار نگرفته است. قدما و معاصران صبا، تحت تأثیر قدرت شاعری و اهمیت جای‌گاه ملک‌الشعرایی در فرهنگ و ادب آن روزگار، بدون توجیحات فنی و ادبی از شاهنشاهنامه ستایش کرده‌اند. نسل بعدی پژوهش‌گران نیز که فارغ از اهمیت صبا و گاه با نگاهی انتقادی به او، شاهنشاهنامه را نقد کرده‌اند، کم‌تر با کل اثر و وجوه مختلف آن آشنا بودند؛ بنابراین، نقدهای آنان چندان که باید سنجیده و دقیق نیست. مهم‌ترین کاستی‌ها و خطاهای پژوهش‌گران در نقد شاهنشاهنامه ناشی از ندیدن و نخواندن -از استادان بزرگ گرفته تا پژوهش‌گران جوان- کلیت اثر است. بیشتر ناقدان، به سراغ نسخه‌های خطی اصلی اثر نرفته‌اند و به گزیده‌های نامعتبر اکتفا کرده‌اند؛ بنابراین، بیشینه نقدها به هنگام معرفی شاهنشاهنامه، حتی در بیان تعداد ابیات منظومه اشتباه کرده‌اند. بدیهی است، هنگامی که نقدها منحصر به گزیده‌های مختصر و آشفته از متن اصلی باشد، راهی به شناخت درست اثر نمی‌برد. بعضی دیگر از نقدها گرچه به سراغ نسخه/نسخ خطی شاهنشاهنامه رفتند، اما به جهت عدم بررسی کامل نسخه خطی یا تکیه بر نسخی نامعتبر و پرخطا، بازهم در تحلیل منظومه اشتباهاتی داشته‌اند. شماری از نقدها هم نسخ قابل قبول خطی را معیار قرار دادند، اما -احتمالاً به جهت حجم بسیار- تمامی منظومه را بررسی نکرده‌اند. از خطاهای دیگر این نقدها، تخمین نادرست زمان سرودن شاهنشاهنامه است که آن هم ریشه در عدم شناخت دیرین‌ترین نسخه‌های خطی دارد. در مجموع می‌توان اصلی‌ترین مشکل در نقد شاهنشاهنامه را، نبود تصحیح کاملی از متن منظومه و معرفی نسخه‌های اصلی آن دانست. نقدها، بدون آشنایی با نسخه‌های اصلی و تنها با تکیه بر چاپ سنگی مختصر، خلاصه و تغییرشکل یافته از منظومه نوشته شده است و در نتیجه، عمده نقدهای شاهنشاهنامه، پر از اشکال و خطاهای گمراه‌کننده است. این اشکالات، از راه مطالعه پیشینه هر پژوهش، به پژوهش‌های بعدی راه یافته و می‌یابند و به بررسی علمی شاهنشاهنامه، به عنوان یکی از مهم‌ترین شاهنامه‌های تاریخی و آثار برجسته دوره بازگشت ادبی راه نمی‌برد.

یادداشت‌ها

- ۱) در تشخیص منابع دست اول، بیش‌تر بر زمان نگارش تأکید می‌شود؛ بدین منظور که این منابع بر منابع دست دوم که با تکیه بر آن‌ها نگاشته می‌شوند، اولویت زمانی دارند (براندیج، ۱۳۹۶: ۳۲). دست دوم بودن منابع، هم‌واره به معنای اعتبار تاریخی کم‌تر آن‌ها از منابع دست اول نیست. از ویژگی‌های منابع دست اول، درگیری عاطفی نویسنده است که در منظومه مورد نظر در حد اعلاست. این نوع درگیری عاطفی که محل تحلیل تاریخی است، در منابع دست دوم کم‌تر دیده می‌شود (حضرتی، ۱۳۹۷: ۱۰۷).
- ۲) چاپ اول این کتاب به عنوان مکتب بازگشت، در سال ۱۳۷۵ توسط نشر مرکز منتشر شد.
- ۳) این تاریخ در متن به اشتباه ۱۲۴۲ نوشته شده است (نخجوانی، ۱۳۲۹: ۱۹۵).
- ۴) مادر فتحعلی‌شاه، آسیه‌خانم، دختر عزالدین عضدانلو قاجار بود.

فهرست منابع

- آراین پور، یحیی. (۱۳۸۷). *از صبا تا نیما*، جلد اول. تهران: علمی و فرهنگی.
- احمدی، مسلم. (۱۳۹۸). *بررسی مؤلفه های هویت ملی در آثار حماسی دوره قاجار با تکیه بر شهنشاهنامه فتحعلی خان صبا*. رسالهٔ مقطع دکتری. استاد راهنما: غلامعلی فلاح. رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی، دانشکدهٔ ادبیات، دانشگاه خوارزمی.
- احمدی، مسلم. (۱۳۹۸). *هویت ملی در مکتب بازگشت ادبی با الهام از شهنشاهنامه فتحعلی خان صبا*. ویراستار: زهرا سعادت‌نیا. تهران: پژوهش پارسی.
- براندیج، آنتونی. (۱۳۹۶). *روبارویی با منابع*. ترجمهٔ محمد غفوری. تهران: سمت.
- بیاتی، نرگس. (۱۳۹۴). *حماسه‌سرایی در عصر قاجار با تکیه بر حماسه‌های تاریخی*. پایان‌نامهٔ مقطع کارشناسی ارشد، استاد راهنما: محمدرضا نجاریان، رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی، دانشکدهٔ زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد.
- تجربه‌کار، نصرت. (۱۳۵۰). *سبک شعر در عصر قاجاریه*. تهران: توس.
- حضرتی، حسن. (۱۳۹۷). *روش پژوهش در تاریخ‌شناسی*. تهران: لوگوس.
- حمیدی شیرازی، مهدی. (۱۳۶۴). *شعر در دوره قاجار*. تهران: گنج کتاب.
- خاتمی، احمد. (۱۳۷۳). *تاریخ ادبیات ایران در دوره بازگشت ادبی*. جلد دوم. تهران: پایا.
- خودداری نائینی، سعید. (۱۳۹۰). «شهنشاهنامه فتحعلی خان صبا: نسخه ۵۹۹۸ کتابخانه ملک، شاهکاری از هنر دوره قاجار». *آئینه میراث*. سال نهم، شماره ۴۸، صص ۴۷-۷۰.
- دنبلی (مفتون)، عبدالرزاق. (۱۳۴۳). *تذکره نگارستان دارا*، جلد اول. تصحیح: عبدالرسول خیام‌پور. تبریز: انتشارات موسسهٔ تاریخ و فرهنگ ایران.
- دیوان بیگی شیرازی، سید احمد. (۱۳۶۶). *حدیقه الشعرا*، جلد دوم. تصحیح و تحشیه: عبدالحسین نوایی. تهران: زرین.

- رضاقلی میرزای قاجار. (۱۳۷۳). *سفرنامه*. به کوشش: اصغر فرمانفرمایی قاجار. تهران: اساطیر.
- زرقانی، مهدی. (۱۳۹۴). *تاریخ ادبیات و قلمرو زبان فارسی (۴) با رویکرد ژانری*. تهران: فاطمی.
- سمساریان، فرشته. (۱۳۸۸). *تصحیح و تعلیقات خداوندنامه صبا کاشانی (بخش اول)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: سید محمد راستگوفر. رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه یزد.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۰). *ادبیات فارسی از عصر جامی تا روزگار ما*. ترجمه‌ی حجت‌الله اصیل. تهران: نی.
- شمس لنگرودی، محمد. (۱۳۹۸). *شعر دوره بازگشت*. تهران: نگاه.
- شمیم، علی‌اصغر. (۱۳۹۳). *ایران در دوره سلطنت قاجار*. تهران: مدبر.
- صبا، فتحعلی خان. (۱۲۲۵ق). *شاهنشاهنامه*. نسخه خطی. کتابخانه ملی انگلستان، ۳۴۴۲.
- صبا، فتحعلی خان. (۱۲۲۶ق). *شاهنشاهنامه*. نسخه خطی. کتابخانه ملی اتریش-وین، ۴۳۸.
- صبا، فتحعلی خان. (۱۲۲۷ق). *شهنشاهنامه*. نسخه خطی. کتابخانه دانشگاه تهران، ۳۸۱.
- صبا، فتحعلی خان. (۱۸۶۷/م ۱۲۴۶ق). *شاهنشاهنامه*. چاپ سنگی در بمبئی. کتابخانه مجلس، ۷۳۷۳۷.
- صبا، فتحعلی خان. (۱۳۱۳). *گلشن صبا*. به اهتمام: ح. کوهی کرمانی. مقدمه: ملک-الشعراى بهار. تهران: نسیم صبا.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۸۷). *حماسه‌سرایی در ایران*. تهران: امیرکبیر.
- صفایی، ابراهیم. (۱۳۳۳). *نهضت ادبی ایران در عصر قاجار*. تهران: کتابفروشی ابن‌سینا.
- فاضل گروسی، عبدالحسین. (۱۳۷۶). *تذکره انجمن خاقان*. مقدمه: توفیق سبحانی. تهران: روزنه.

- فتحی گلین بلاغی، ماهر و حسن‌زاده نیری، محمدحسن. (۱۳۹۴). «برخی شباهت‌های شاهنامه فردوسی و شهنشاهنامه صبا». *بهارستان سخن*. سال دوازدهم، ش ۲۹، صص ۱۵۴-۱۳۳.
- لونی، مهدی و اقبالی، پرویز. (۱۳۹۶). «بررسی نسخه مصور شاهنشاهنامه موجود در کتابخانه مجلس و شناسایی تصویرگر آن». *فصلنامه علمی-پژوهشی نگره*. دوره ۱۲، شماره ۴۳، ص ۴۹.
- متولی حقیقی، یوسف. (۱۳۸۴). «شاهنامه‌ای که پایش خوش نبود: بررسی یک متن تاریخی دوره قاجار». *پژوهشنامه تاریخ*. شماره ۱، صص ۵۷-۷۶.
- محمود میرزا قاجار، بن فتحعلی شاه. (۱۳۴۶). *سفینه‌المحمود*، جلد اول. تصحیح: عبدالرسول خیام‌پور. تبریز: انتشارات موسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- موذن، بهاره. (۱۳۹۰). «بررسی سبکی و محتوایی شاهنشاهنامه فتحعلی خان صبا و مقایسه آن با شاهنامه فردوسی». *کتاب ماه ادبیات*. شماره ۱۶۳، صص ۳۱-۳۹.
- نامی، صبرا. (۱۳۹۹). *تصحیح متن شهنشاهنامه فتحعلی خان صبا (زندگی عباس میرزا)*. رساله مقطع. استاد راهنما: روح‌الله هادی. دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران.
- نجوانی، حسین. (۱۳۲۹). «زندگی و شخصیت ملک‌الشعرا فتحعلی خان صبا». *مجله علوم انسانی دانشگاه تبریز*، شماره ۱۹ و ۲۰، صص ۱۹۱-۲۰۱.
- نوری، محمدتقی بن محمد مهدی. (۱۳۸۶). *اشرف التواریخ*. مصحح: سوسن اصیلی. تهران: میراث مکتوب.
- هادی، روح‌الله و نامی، صبرا. (۱۳۹۹). «بن‌مایه‌های اساطیری و بازتاب حضور فرهنگ عامه در دوره حماسه منظوم قاجار». *دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه*. سال ۸، شماره ۳۳، صص ۵۷-۹۱.
- هدایت، رضاقلی. (۱۳۸۲). *مجمع‌الفصح*. تصحیح مظاهر مصفا. تهران: امیر کبیر.

- هدایت، رضاقلی. (۱۳۸۵). *تذکره ریاض العارفین*. مصحح ابوالقاسم رادفر. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

References

- Arianpour, Yahya. (1387). *From Saba to Nima*, Vol. 1. Tehran: Elmi-Va-Farhangi. [In Persian]
- Ahmadi, Muslem. (2018). *Investigating the components of national identity in the epic works of the Qajar period based on the Shaanhshnameh of Fath Ali Khan Saba*. Doctoral dissertation. Supervisor: Gholam Ali Falah. Faculty of Persian Language and Literature, Faculty of Literature, Kharazmi University. [In Persian]
- Ahmadi, Muslem. (2018). *National identity in the literary return school inspired by Shahanshnameh Fathali Khan Saba*. Ed. Zahra Saadatinia. Tehran: Motaleaate Parsi. [In Persian]
- Brundage, Anthony. (2016). *Dealing with resources*. Trans. Mohammad Ghafouri. Tehran: Samt. [In Persian]
- Bayati, Narges. (2014). *Epic writing in the Qajar era based on historical epics*. Master's Thesis, Supervisor: Mohammad Reza Najjarian, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Persian Language and Literature, Yazd University. [In Persian]
- Tajrobekar, Nosrat. (1350). *The style of poetry in the Qajar era*. Tehran: Toos. [In Persian]
- Hazrati, Hassan. (2017). *Research method in historiography*. Tehran: Logos. [In Persian]
- Hamidi Shirazi, Mehdi. (1364). *Poetry in the Qajar period*. Tehran: Ganj-E-Ketab. [In Persian]
- Khatami, Ahmad. (1373). *The history of Iranian literature in the period of literary return*. The second volume. Tehran: Paya. [In Persian]
- Khoddari Naini, Saeed. (1390). "Shahanshnameh of Fath Ali Khan Saba: Edition 5998 of Malik Library, a masterpiece of Qajar period art". *Ayine-E-Miras*. Year 9, No. 48, pp. 47-70. [In Persian]
- Donboli, Abdul Razzaq. (1343). *Nargaristan Dara*, Vol. 1. Correction: Abdul Rasul Khayampour. Tabriz: Publications of the Institute of History and Culture of Iran. [In Persian]
- Diwan Beigi Shirazi, Seyyed Ahmad. (1366). *Hadiqah al-Shaara*, Vol. 2. Correction and preparation: Abdul Hossein Nawai. Tehran: Zarrin. [In Persian]



- Rezaqoli-Mirza Qajar. (1373). *Safar Nameh*. Ed. Asqar Farmanfarma Qajar. Tehran: Asatir. [In Persian]
- Zarqani, Mehdi. (2014). *The history of literature and the territory of the Persian language (4) with a genre approach*. Tehran: Fatemi. [In Persian]
- Semsarian, Fereshte. (1388). *Correction and comments of Saba-ye-Kashani's Khodavandnameh (first part)*. Master's thesis. Supervisor: Seyyed Mohammad Rastgoufar. Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Human Sciences, Yazd University. [In Persian]
- Shafi'i Kadkani, Mohammad Reza. (1390). *Persian literature: from the Jami era to our time*. Original trans. Hojjatullah Asil. Tehran: Ney. [In Persian]
- Shams Langroudi, Mohammad. (2018). *Return period poetry*. Tehran: Negah. [In Persian]
- Shamim, Ali Asghar. (2013). *Iran during the Qajar dynasty*. Tehran: Modabber. [In Persian]
- Saba, Fath Ali Khan. (1225 AH). *Shahanshahnameh*, Manuscript. National Library of England, 3442. [In Persian]
- Saba, Fath Ali Khan. (1226 AH). *Shahanshahnameh*, Manuscript. Austria-Vienna National Library, 438. [In Persian]
- Saba, Fath Ali Khan. (1227 AH). *Shahanshahnameh*, Manuscript. Tehran University Library, 381. [In Persian]
- Saba, Fath Ali Khan. (1867 AD/1246 AH). *Shahanshahnameh*, Lithograph in Mumbai. Majlis Library, 73737. [In Persian]
- Saba, Fath Ali Khan. (1313). *Golshan-E-Saba*. Edition: H. Kermani kouhi, Introduction: Mohammadtaghi Bahar. Tehran: Nasim-E-Saba. [In Persian]
- Safa, Zabihullah. (1387). *Epic writing in Iran*. Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Safai, Ibrahim. (1333). *Iranian literary movement in the Qajar era*. Tehran: Ibn-E-Sina bookstore. [In Persian]
- Fazel Grosi, Abdul Hossein. (1376). *Khaqan's Association*. Introduction: Tawfiq Sobhani. Tehran: Rozeneh. [In Persian]
- Fathi Glin-Balaghi, Mah-Zar and Hasan-Zadeh Neiri, Mohammad Hassan. (2014). "Some similarities between Ferdowsi's Shahnameh and Saba's Shahanshahnameh". *Baharestan-E-Sokhon*. The twelfth year, vol. 29, pp. 133-154. [In Persian]
- - Loni, Mehdi and Iqbali, Parviz. (2016). "Examination of the illustrated copy of the Shahshahnameh in the Parliament Library and identification of its illustrator". *Negare*. Vol. 12, No. 43, p. 49. [In Persian]

-
- Motevali Haqiqi, Yusuf. (1384). "A Shahnameh with no happy ending: a study of a historical text of the Qajar period", *Journal of Tarikh Research*. No. 1, pp. 57-76. [In Persian]
 - Mahmoud Mirza Qajar, Bin Fath Ali Shah. (1346). *Safina-Tal-Mahmoud*, Vol. 1. Correction: Abdul Rasul Khayampour. Tabriz: Publications of the Institute of History and Culture of Iran. [In Persian]
 - Moazzen, Bahare. (1390). "Analysis of the style and content of the Shahanshahnameh of Fath Ali Khan Saba and its comparison with the Shahnameh of Ferdowsi". *Book of the month of literature*. No. 163, pp. 31-39. [In Persian]
 - Nami, Sabra. (2019). *Correction of the text of Shahanshahnameh Fath Ali Khan Saba (Life of Abbas Mirza)*. Doctoral dissertation. Supervisor: Ruhollah Hadi. Ph D in Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Human Sciences, University of Tehran. [In Persian]
 - Nakhjavani, Hossein. (1329). "The life and personality of Melek-ul-Shaara Fath Ali Khan Saba". *Tabriz University Journal of Humanities*, No. 19 and 20, pp. 191-201. [In Persian]
 - Nouri, Mohammad Taqi bin Mohammad Mahdi. (1386). *Ashraf al-Tavarikh*. Ed. Susan Asili. Tehran: Mirath Maktob. [In Persian]
 - Hadi, Ruhollah and Nami, Sabra. (2019). "Mythological foundations and the reflection of the presence of popular culture in the epic period of Qajar poetry". *Journal of popular culture and literature*. Year 8, No. 33, pp. 57-91. [In Persian]
 - Hedayat, Rezaqoli. (1382). *Majma-ul-Fosaha*. Ed. Mazaher Mosaffa. Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
 - Hedayat, Rezaqoli. (1385). *Riyadh-al-Arefin*. Corrected by Abulqasem Radfar. Tehran: Research Institute of Human Sciences and Cultural Studies. [In Persian]